

فضای مجازی، فناوری راهبردی است که برخی کشورها با سرمایه‌گذاری در حوزه تولید و حاکمیت آن، ضمن بهره‌برداری داخلی از مزایای فراوان اقتصادی و فرهنگی، در سطح بین‌الملل نیز به تأثیرگذاری مضاعفی دست‌یافته و قدرت جهانی خود را تثبیت کرده‌اند. در کشور ما اما بر اثر سوء مدیریت مسئولان، این عرصه به میدان آسیب‌های جداکثری و فواید حداقلی بدل گشته است. در این مسئله وزارت ارتباطات و شورای عالی فضای مجازی، مقصران اصلی هستند که با کوتاهی در انجام وظائف ذاتی خود، مستتب شرایط موجودند و البته بر پرداختن به عملکرد آنها موضوع این نوشتار نیست. با این وجود کارشناسان معتقدند قوه قضائیه نیز همیای دو نهاد مذکور و به همان اندازه در این عرصه دارای وظیفه است.

به عنوان نمونه نهاد قضایی وظیفه دارد با سرویس‌های غیراستاندارد و بزه خیز فضای مجازی که علاوهبر آنکه‌بستر میلیون‌ها تخلف

متحمل ضربات ناگوار و جبران‌ناپذیری شده است که نه‌تنها بر خواص پوشیده‌نیست بلکه در مواردی به‌ویژه فرهنگ و خانواده، عموم جامعه نیز نسبت به آن ابراز نارضایتی کرده و به‌شدت نگرانند. متأسفانه فضای مجازی فعلی که فاقد حداقل‌های استاندارد است، در کشور توسعه یافته و منشأ ارتکاب جرائم فراوانی در کشور شده است. انتشار گسترده مطالب غیراخلاقی، محتوای ضاله، توهین به مقدسات، تضعیف نظام و تعدی به حریم خصوصی مردم، تنها گوشه‌ای از این جرائم است. این همه در حالی است که وظیفه ذاتی دستگاه قضایی، برخورد و مقابله با جرائم مزبور است.

در حال حاضر بسیاری از قوانین کشور در شبکه‌های اجتماعی خارجی نقض میگردد.

انتظار از قوه قضائیه

برای ورود جدی به نابسامانی‌های فضای مجازی

در اختیار دشمنان قرار گرفته است، اگر

زیرساخت با ثبات برای فعالیت اقتصادی مردم در محیط مجازی وجود ندارد و اگر آرامش روانی مردم در این بستر از بین می‌رود، قوه قضائیه نیز - در کنار وزارت ارتباطات و شورای عالی فضای مجازی- باید پاسخگوی عملکرد خود در این زمینه باشد.

صنعت ICT فناوری راهبردی است که با تکیه بسر آن می‌توان در تراز قدرت‌های برتر جهانی قرار گرفت. قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی کشور در گرو توسعه این صنعت است. امروزه می‌بینیم کشورهای نظام سلطه با تکیه بر این زمینه در سمت اهداف استعماری خود پیش می‌روند. از یک سو فرهنگ منط و فاسد خود را به فرهنگی

اجتماعی



عملکرد این نهاد به‌سان آن است که چند نفر شرور قداره‌کش به نوامیس مردم حمله کرده و مأموران پلیس که مسلح به اسلحه گرم هستند نیز، در صحنه حاضر بوده‌اما هیچ اقدامی نکنند. در حالی که این مأموران می‌توانستند تنها با شلیک یک تیر هوایی آن متجاوزان را در دستگیر که حداقل فراری دهند، اما ایستادند و تماشا کردند.

اشتیاقی فراوان دولت به واردات فناوری اطلاعات و ارتباطات، موجب وابستگی کامل فضای مجازی کشور به دشمن شده است. خود کفایی در حوزه ICT ضرورتی است که متأسفانه دولت رغبتی به آن ندارد. واضح است تولید محصول و بومی‌سازی، موانع و مشکلات بر سر راه دارد که واردات، نه‌تنها آن مشکلات را ندارد بلکه منافع اقتصادی و مالی نیز برای واردکننده خواهد داشت.

در حال حاضر وزارت ارتباطات واردکننده انحصاری پهنای باند است که از این طریق درآمد هزاران میلیاردی دارد. همچنین افزایش این درآمد سرسام‌آور، درگرو واردات روزافزون فناوری است، بومی‌سازی و خود کفایی نیز، در کوتاهمدت درآمد دولت -

و نه مردم - را کاهش می‌دهد. این تنها یکی از عوامل بی‌رغبتی دولت به بومی‌سازی فضای مجازی است و حال‌آنکه این فناوری ازجمله فناوری‌های راهبردی است که عدم استقلال در آن پیامدهای غیرقابل جبرانی به دنبال دارد. بسا این وجود قاطعیت قوه قضائیه در مقابله با سرویس‌های غیراستاندارد و ممانعت از فعالیت آنها، دولت را ملزم به تغییر مسیر از ریل واردات فناوری به ریل بومی‌سازی و تولید داخلی می‌کند.

چنانچه دستگامه قضا با تخلفات عدیده قانونی که نهادهای دولتی و غیردولتی در حوزه ICT دارند، مواجهه مقتدرانه‌ای داشته باشد، این سازمان‌ها نسبت به تکالیف قانونی خود اهتمام به خرج می‌دهند که البته تا کنون کمتر چنین بوده‌است. کوتاهی نهادهای مزبور در عمل به وظائف قانونی خود موجب شده کشور با سرعت هرچه تمام‌باشغال سایبری درآید. در این میان انتظار از قوه قضائیه ورود جدی به چنین حوزه‌هایی است.

با توجه به تجربه و توانمندی‌های آیت‌الله رئیسی، بارقه امید در چشم کارشناسان و متخصصان حوزه ICT درخشید تا پس از سال‌ها مطالبه، ساماندهی این عرصه رقم بخورد. گذشت یک سال از تصدی منصب رئیس القضاات، این فرصت را در اختیار ایشان قرار داده است تا با نگاه کارشناسی، جوانب مختلف موضوع را بررسی و به جمع‌بندی موضوع بپردازند. به همین دلیل فعالان فضای مجازی تاکنون درنگ کرده‌اند اما اینک انتظار دارند اقدامات عملیاتی دستگاه قضا درباره فضای مجازی شروع شود.

پدیده‌ی است ادامه مسیر زیان‌بار قبل، خسارت محض بوده و آسیبهای جبران‌ناپذیری برای کشور به دنبال خواهد داشت که مسئولان عالی‌رتبه قضائی نیز نسبت به آن اشیراف دارند. انتظار مردم و کارشناسان علوم سایبری این است که قوه قضائیه با اقدامات زیربنایی و اساسی، جبران مافات کرده و کشور را از اشغال سایبری نجات دهد.

محمد تمیمی

کارآمدسازی پژوهش در آموزش و پرورش به بهانه ادغام صوری در معاونت پشتیبانی می‌تواند، حذف کارشناسی‌های پژوهش که بازوهای اجرایی در تصمیم‌گیری‌ها و کلان مروج پژوهش در نواحی آموزش و پرورش هستند را در بر داشته باشد. اگرچه ساختار قبلی پژوهش در ادارات آموزش و پرورش چندان کارآمد نبود اما مسئولان آموزش و پرورش باید به‌خاطر داشته باشند، پاک کردن صورت مسئله و حذف بازوهای تحقق راهبردهای کلان سند تحول، که پیوسته مورد تأکید رهبر انقلاب بوده‌اند، نمی‌تواند راحل چندان مناسبی باشد و بدین جهت بهتر است برای

به‌عناصر اصلی عنوان خود، یعنی پژوهش و برنامه‌ریزی، کم توجه است و غالباً و کاملاً به امور مالی و اداری اختصاص یافته است. این امر می‌تواند به معنی به‌حاشیه رانده شدن محور پژوهش در منابع انسانی و امور اداری) و چهار اداره (اداره بودجه، اداره امور رفاه و پشتیبانی، اداره امور مالی و اداری راهبری مکاتبات و اسناد) در بردارد و تنها یک «گروه» به امر تحقیق و پژوهش اختصاص داده شده است. این اقدام مسئولان آموزش و پرورش و توافقی آشکار در بر دارد؛ نخست آنکه، معاونتی که عنوان پژوهش، برنامه‌ریزی و توسعه منابع را یدک می‌کشد، در باطن

نویسه خود امر نکوهیده‌ای نیست، اما با نگاهی ژرف‌تر به نمودار سازمانی جدید می‌یابیم که این معاونت جدید تاسیس در شش زیر شاخه خود که بازوهای اجرایی سیاست‌ها هستند یک مدیریت (مدیریت منابع انسانی و امور اداری) و چهار اداره (اداره بودجه، اداره امور رفاه و پشتیبانی، اداره امور مالی و اداری راهبری مکاتبات و اسناد) در بردارد و تنها یک «گروه» به امر تحقیق و پژوهش اختصاص داده شده است. این اقدام مسئولان آموزش و پرورش و توافقی آشکار در بر دارد؛ نخست آنکه، معاونتی که عنوان پژوهش، برنامه‌ریزی و توسعه منابع را یدک می‌کشد، در باطن

تصمیمات مسئولان آموزش و پرورش، سیاست‌ها و برنامه‌های آنان با اهداف راهبردهای کلان سند تحول در تعارض است. از این میان می‌توان به بخشنامه شماره ۷۱۰۸۱ مورخ هشت خرداد معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش درباره ابلاغ نمودار سازمانی جدید ادارات کل آموزش و پرورش اشاره کرد که به موجب آن معانی توسعه مدیریت و پشتیبانی با معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی ادغام شده و معاونت جدید پژوهش، برنامه‌ریزی و توسعه منابع شکل می‌گیرد. اگرچه ایسن تصمیم آموزش و پرورش در راستای کوچک و چابک‌سازی دولت به

مقام معظم رهبری(مد ظله العالی) در پیمانان به سی و چهارمین اجلاس آموزش و پرورش بسر اهمیت ماموریت آموزش و پرورش برای تربیت انسان شایسته، موحد، مومن، مجاهد، و انقلابی تأکید فرمودند و در کنار تأکید مجدد بر نقش راهبردی سند تحول آموزش و پرورش تلویحاً از عدم تبیین و اجرای آن شکایت کردند.ایشان در این رابطه تصریح فرمودند که «در این سند اهداف کلان و راهبردهای کلی مشخص شده است که باید بر اساس سیاست‌ها، برنامه اجرایی تنظیم شود.» اما نکته جالب توجه آن است که علی رغم تمام این تأکیدات رهبر معظم انقلاب، برخی اوقات

مقام معظم رهبری(مد ظله العالی) در پیمانان به سی و چهارمین اجلاس آموزش و پرورش بسر اهمیت ماموریت آموزش و پرورش برای تربیت انسان شایسته، موحد، مومن، مجاهد، و انقلابی تأکید فرمودند و در کنار تأکید مجدد بر نقش راهبردی سند تحول آموزش و پرورش تلویحاً از عدم تبیین و اجرای آن شکایت کردند.ایشان در این رابطه تصریح فرمودند که «در این سند اهداف کلان و راهبردهای کلی مشخص شده است که باید بر اساس سیاست‌ها، برنامه اجرایی تنظیم شود.» اما نکته جالب توجه آن است که علی رغم تمام این تأکیدات رهبر معظم انقلاب، برخی اوقات

حذف معاونت پژوهشی آموزش و پرورش به بهانه ادغام

عملی معاونت پژوهش در آموزش و پرورش به بهانه ادغام صوری در معاونت پشتیبانی می‌تواند، حذف کارشناسی‌های پژوهش که بازوهای اجرایی در تصمیم‌گیری‌ها و کلان مروج پژوهش در نواحی آموزش و پرورش هستند را در بر داشته باشد. اگرچه ساختار قبلی پژوهش در ادارات آموزش و پرورش چندان کارآمد نبود اما مسئولان آموزش و پرورش باید به‌خاطر داشته باشند، پاک کردن صورت مسئله و حذف بازوهای تحقق راهبردهای کلان سند تحول، که پیوسته مورد تأکید رهبر انقلاب بوده‌اند، نمی‌تواند راحل چندان مناسبی باشد و بدین جهت بهتر است برای

نویسه خود امر نکوهیده‌ای نیست، اما با نگاهی ژرف‌تر به نمودار سازمانی جدید می‌یابیم که این معاونت جدید تاسیس در شش زیر شاخه خود که بازوهای اجرایی سیاست‌ها هستند یک مدیریت (مدیریت منابع انسانی و امور اداری) و چهار اداره (اداره بودجه، اداره امور رفاه و پشتیبانی، اداره امور مالی و اداری راهبری مکاتبات و اسناد) در بردارد و تنها یک «گروه» به امر تحقیق و پژوهش اختصاص داده شده است. این اقدام مسئولان آموزش و پرورش و توافقی آشکار در بر دارد؛ نخست آنکه، معاونتی که عنوان پژوهش، برنامه‌ریزی و توسعه منابع را یدک می‌کشد، در باطن

تصمیمات مسئولان آموزش و پرورش، سیاست‌ها و برنامه‌های آنان با اهداف راهبردهای کلان سند تحول در تعارض است. از این میان می‌توان به بخشنامه شماره ۷۱۰۸۱ مورخ هشت خرداد معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش درباره ابلاغ نمودار سازمانی جدید ادارات کل آموزش و پرورش اشاره کرد که به موجب آن معانی توسعه مدیریت و پشتیبانی با معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی ادغام شده و معاونت جدید پژوهش، برنامه‌ریزی و توسعه منابع شکل می‌گیرد. اگرچه ایسن تصمیم آموزش و پرورش در راستای کوچک و چابک‌سازی دولت به

مقام معظم رهبری(مد ظله العالی) در پیمانان به سی و چهارمین اجلاس آموزش و پرورش بسر اهمیت ماموریت آموزش و پرورش برای تربیت انسان شایسته، موحد، مومن، مجاهد، و انقلابی تأکید فرمودند و در کنار تأکید مجدد بر نقش راهبردی سند تحول آموزش و پرورش تلویحاً از عدم تبیین و اجرای آن شکایت کردند.ایشان در این رابطه تصریح فرمودند که «در این سند اهداف کلان و راهبردهای کلی مشخص شده است که باید بر اساس سیاست‌ها، برنامه اجرایی تنظیم شود.» اما نکته جالب توجه آن است که علی رغم تمام این تأکیدات رهبر معظم انقلاب، برخی اوقات

* **از آن برخورد خاص با موضوع کشف حجاب بگویند.**

حدود ساعت ۸ شب بود؛ مورخه ۱۹ مرداد؛ در ورودی گیت متروی شهدا ایستاده بودم و به شهروندانی که بعضاً مسافک بر صورت نداشتند تذکر داده و آنها را به عرفه فروش ماسک تذکر می‌کردم که دو خانم آمدند و گزارشی مبنی بر کشف حجاب یک خانم را در سکوی شهدا به سمت کلاه‌دوز اعلام کردند.

یکی از آن خانم‌ها گفت به فردی که کشف حجاب کرده تذکر داده اما با بی‌احترامی رفتار کرده و حتی گفته که مانتویم را هم درمی‌آورم چه می‌خواهی بکنی! وقتی این صحبت را شنیدم به آن خانم گفتم شما همین‌جا بمانید. جلو نپایید بگذارید خودم می‌روم و بسا آن خانم صحبت می‌کنم. بعد از آن سریع خودم را به سکوی مورد نظر رساندم و به سمت آن خانم رفتم و گفتم خانم شالتان را روی سرتان بگذارید. تا این جمله را گفتم فردی که کشف حجاب کرده بود گفتم شما بروید دزدان را بگیرید و اختلاس‌گران را که من در پاسخ آن خانم گفتم من که نباید زروممم را به شما ارائه بدهم؛ دزدان را هم می‌گیریم. شما کشف حجاب کرده‌اید و شاکی دارید. باید حجاب‌تان را درست کنید.

اما آن خانم نسبت‌بردار نبود شروع کرد به کل کل کردن که فقط شال من را دیده‌ام و دزدان را رها کرده‌اید و بروید اختلاس‌گران را بگیرید که من هم‌جا گفتم شما جرم مشهود انجام داده‌اید از طرفی بی‌قانونی. بی‌قانونی است چه افتادن شال باشد، چه اختلاس و چه دزدی گویی.

* **برخی معتقد بودند که شما باید آن فرد را دستگیر می‌کردید؛ چرا که حق نداشت مأمور قانون را بازخواست کند؛ نظر شما چیست؟**

درست است که موضوع کشف حجاب جرم است و در کتاب قانون مجازات به آن پرداخته شده و سپس و جرمیه نقدی برای آن منظور شده اما این را باید در نظر بگیرید که ابتدا باید به این افراد تذکر داد. برخی از افراد بعدنیال سهل‌انگاری این اقدام را مرتکب می‌شوند. مثلاً حواس‌شان نیست و مسئول صحبت با موبایل هستند و شال‌شان می‌افتد و هنوز من مأمور پلیس به آنها نرسیده، خودشان شال را درست کرده و روی سرشان می‌گذارند. اما عده‌ای می‌هستند که در این زمینه آموزش دیده‌اند و دنبال داستان هستند؛ به هر حال قانون مشخص کرده که با هر فرد چگونگی باید برخورد کرد.

برخی افسران می‌خواهند بسا پلیس درگیر شوند. با قضائی شروع کرده و ادامه می‌دهند چرا که معتقدند قضیه هرطور پیش برود برنده می‌شوند چرا که بعدنیال این هستند که رسانه‌های بیگانه از اقدام‌شان بهره‌برداری کنند؛ این افراد با برنامه‌ریزی قبلی این اقدام را انجام

صفحه ۸

شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۹

۱۹ محرم ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۵۵۷

نقدی بر دانشنامه ایرانی برنامه درسی

دکتر صابر ترازباده

تهیه و تدوین اسناد علمی و معتبر که بر تمامی سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی، فرایندها و برنامه‌ها سایه می‌افکند، باید عموماً بر خاسته از اندیشه اسلام و باور عمیق به ارزش‌های والای آن بوده و ضمن بهره‌گیری از تجارب تاریخی و ریشه‌دار و با استناد به دانش بشری، پشتوانه انقلاب اسلامی و گفتمان حاصل از آن باشد.

اسناد، دانش نامه‌ها، دایره‌المعارف‌ها و فرهنگ نامه‌های تهیه شده به ویژه در تاریخ جمهوری اسلامی باید ناظر به همین رویکرد و مباحث‌های فوق‌الاشاره بوده و عموماً فرهنگ اسلام و انقلاب و باور به معارف و ارزش‌های آن در عنوان و محتوا مفروض و ملحوظ انگاشته شود.

اما تدوین دانشنامه ایرانی برنامه درسی نکات ایهام انگیزی را به ذهن

متبادر می‌نماید که نیازمند پاسخگویی مسئولان آموزش و پرورش است. ذکر عنوان دانشنامه‌ای ایرانی شائبه تکفیک دین از سیاست، تعلیم و تربیت و برنامه درسی از اسلامی بودن را در نظام جمهوری اسلامی در اذهان ایجاد می‌نماید. این موضوع همچنین شائبه شخصی بودن مذهب، تقدم ملی‌گرایی (اول ایران بعد اسلام) و اینکه رسالت دین صرفاً خدا و آخرت است را در جامعه زنده می‌سازد.

اهتمام به تخصص در برابر تعهد، اصالت علم، پیروی از اندیشه‌های لیبرال و بی‌توجهی به ارزش‌ها و اندیشه‌های اسلامی مفاهیمی است که از عنوان و محتوای این دانشنامه بر می‌خیزد. تکیه بر واژه ایرانی توجه دادن به اصالت منافع ملی است و بنابر این مردم جهان منطقا جنبه فرعی دارند؛ زیرا هر ملتی ملت دیگر را بیگانه تصور کرده و در جهت منافع ملی خود تلاش می‌کند.

فرهنگ متعالی اسلام یعنی همین فرهنگ که ایثار و شهادت را در متن

خود به همراه دارد، سالیان سال توانسته است در برابر ظلم و ستم زورگویان

مقاومت کرده- در حالی که توجه به مرز و بوم بسودن توجه به جنبه‌های

مذهبی و دینی فقط ممکن است مدت کوتاهی با تحریک احساسات،

یادگیری داشته باشد.

البته بسیاری از ادعاهای ملی‌گراها در عشق به خاک وطن چندان

با واقعیت مطابقت نداشته و در بعضی موارد به تضعیف روحیه رزمندگان

پرداخته و با دشمنان کشور نیز از دو دوستی درآمدند.

«ملت ایران ملتی است مستقل، آزاد، هوشمند و به شدت به هویت ملی

و اسلامی خود اعتقادمند».(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقسشار

مختلف، ۱۳۸۱/۱/۷۱۸)

بنابراین ملی گرایی و کوبیدن بر طبل آن اگر از جنبه مثبت آنکه موجب

همبستگی بیشتر و روابط حسنه شود، فراتر رود و بخواهد جنبه منفی به خود

گرفته و ملیت‌های مختلف را از هم جدا کند، مذموم است.

این برنامه نه تنها خدمت نیست بلکه خیانت در حق ملت تمدن ساز

اسلام است و باید جامعه را از خطرات ایجاد این گسست آگاه ساخت.

هر سند علمی باید با اسناد و برنامه‌های بالا دستی دیگر هماهنگ و در

یک راستا قرار گیرد. در طول ۱۰ سال اخیر سند تحول بنیادین آموزش و

پرورش، سند برنامه درسی ملی، سند ابلاغی رهبر معظم انقلاب، سند دانشگاه

اسلامی و چندین سند فرهنگی و علمی دیگر تصویب شده است. سوال اساسی

اینجاست که دانشنامه ایرانی برنامه درسی با این اسناد چه نسبتی دارد؟ سند

تحول بنیادین مبتنی بر فطرت گرایی توحیدی، منابع معتبر دینی برگرفته

از قرآن کریم و سنت ائمه معصومین، معارف اصيل اسلامی، با مجموعه‌ای از

گزاره‌های مدلل دینی و فلسفی متناسب با دیدگاه‌های عالمان بزرگ دینی

برای رسیدن به حیات طیبه است. مفاهیم ثابت برنامه درسی ملی نیز که

مبنی بر آموزه‌ها و معارف دینی است چگونه بر آن محتوایی که در برنامه

درسی ایرانی در حال تهیه و تدوین است، انطباق و ملازمت می‌یابد؟

از مطالب حائز اهمیت دیگر در مورد دانشنامه، مطالبه‌ای است که

از جانب معلمان و فرهنگیان در مورد میزان بودجه و هزینه طرح مطرح

می‌شود، بودجه آن که بودجه طرح از طرف سازمان آموزش و برنامه‌ریزی

پرداخت شده است، در حالیکه بسیاری از مدارس از پوشش‌های اینترنتی

محروم بوده و گروهی از دانش‌آموزان فاقد گوشی‌های هوشمند هستند

به چه دلیل این بودجه برای این گونه برنامه‌ها پرداخت می‌شود؟ به طور

کلی آیا این وظیفه سازمان پژوهش است که تولید دانشنامه بپردازد یا

پژوهشکده‌های متعددی که امروز در عرصه‌های مختلف علمی و پژوهشی

تاسیس شده‌اند؟

قریب به اتفاق اعضای شورای سیاستگذاری دانشنامه را اعضاء هیئت

علمی دانشنامه‌های کشور تشکیل داده‌اند. وقتی محوره‌ای مشخص شده

برای دانشنامه توسعه آن موضوعات و مسائل متبنا به دانشگاهی است، چگونه

این استادان با این گونه افکار و اندیشه توانسته‌اند این دانشنامه را در سازمان

پژوهش که عمده رسالت خود را در چند سال اخیر بر تولید بسته‌های یادگیری

قرار داده است، به تصویب برسانند؟

از نکات مهم دیگر اینکه در زمینه تعلیم و تربیت و جنبه‌های وابسته

آن بایدس به موضوع پرداخت که در انحصار گرایی روش شناختی معروف

گردیده و یک نقطه انحراف در روش شناسی علمی وپژوهشی است. خانم

دکتر علم‌الهدی استاد دانشگاه شهید بهشتی در یک مصاحبه به این موضوع

چنین پرداخته اند:

«عمده مشکل علوم انسانی یک نوع قبیله گرایی علمی است. یعنی

رشته‌های مختلف علوم انسانی هر کدام یک قبیله را زدید می‌آورند که

روش‌های مخصوصی برای تولید و توزیع علم دارند. یعنی محققانی که به

رشته‌های مختلف تعلق دارند کم این تصور به وجود می‌آید که تنها اهر

دستیابی به حقایق همان روش مهم آنهاست و تنها موضوع مهم تحقیق

موضوع آنهاست و حتی هر یک از محققان فکر می‌کنند حقیقت نزد آنهاست.»

این موضوع را باید در زمینه رشته برنامه‌ریزی درسی در ایران دانست

که بعضی از تحصیل کردگان آن در دوره مدیریت با عنوان سرپرستی در

دانشگاه فرهنگیان روند جلم در معلم را در دانشگاه فرهنگیان به حداقل

رسانده و اعتقادی به پرورش معلم در مراکز جرم تربیت معلم و دانشگاه

فرهنگیان نداشته اند، اما با انحصار و تمرکز بر برنامه درسی برای همین

معلمان محتوایی برخاسته از فرهنگ و علوم غرب در قالب دانشنامه

تهیه و تدوین می‌کنند. سبطره بعضی از اساتید برنامه درسی با این گونه

عملکرد و عقاید، در مراکز حساس نظام آموزشی- و پرورشی کشور چه

زمانی به اتمام میرسند؟

این گروه سازمان سایه در سازمان پژوهش هستند و سال‌هاست با

حضور در دفتري که در یکی از ساختمان‌های پژوهشی در اختیار دارند

فصلنامه‌های سازمان را نیز قبضه کرده‌اند. موضوعات پژوهشی خروجی

آنها نه بر اساس نیاز مدارس و آموزش و پرورش بلکه برای تکمیل رزومه

شناسی و معرفت شناسی و ارزش شناسی آن بیگانه هستند. افسوس از

اینکه اندیشمندان متدین جوزوی و دانشگاهی در سازمان جایگاهی در خور

بسیاسته ندارند. این گروه با گذشت یک دهه از تصویب برنامه درسی ملی

برای ترویج و توسعه آن به قلمی زدن و نه نقدی برآشاندند. همین گروه

سند را محصول فکری افراد غیر متخصص دانسته و از آن برثت جستند.

این گروه نه تنها با سند همکاری نکردند بلکه با جمع‌آوری امضا و نامه به

رئیس جمهور خواستار برکناری مسئول سازمان پژوهش که مدیر تدوین

و تهیه سند برنامه درسی نیز بود،گردیدند.

گروهی که سند تحول بنیادین را ایندین اولولویزک دانسته و با در اختیار

گرفتن سنگرهایی مانند شورای عالی آموزش و پرورش و بسیاری دیگر از

مراکز حساس به دنبال مطالبات دیگر هستند.

سؤال بعدی اینکه اگر دانشنامه ایرانی است، به چه دلیل ملو از مفاهیم،

عبارات و ترجمه‌های ناشنمندان غربی است؟ بسیاری از اندیشمندان ایرانی در

زمینه تعلیم و تربیت و برنامه‌های آموزشی سخنان ارزشمندی را بیان کرده‌اند.

آیا مرجعی هست که به این گونه پرسش‌ها پاسخ بدهد و خروجی این

برنامه را با معیاری معتبر مانند فرهنگ و اعتقادات مردم، اسناد تحولی

مصوب و بالا دستی، تعلیم دینی و میزان کاربرد آن را در مناطق مختلف

کشور بسنجد؟

* **پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت**